

رساله‌هایی در علوم ادبی:

بلاغت و انشا

متعلق به مجموعه دریای کبیر)

کتاب مرصت الدولة شیرازی

مقدمه، تصحیح و شرح:

مجید صاریان



سرشناسه : فرصت شیرازی، محمدنصیر بن جعفر، ۱۳۳۹-۱۲۷۱ ق
 عنوان و نام پدیدآور : رساله‌هایی در علوم ادبی: بلاغت و انشا (متعلق به مجموعه دریای کبیر) / تألیف
 فرصت‌الدوله شیرازی؛ مقدمه، تصحیح و حواشی مجید صاریان
 مشخصات نشر : تهران: سفیراردهال، ۱۳۹۳
 مشخصات ظاهری : ۱۳۰ص
 فروست : ۸۰۰۰۰ریال: ۰ - ۱۶۲ - ۳۱۳ - ۶۰۰ - ۹۷۸
 وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
 وابستگی : کتابنامه: ص ۱۲۱
 یادداشت : نمایه
 موضوع : معانی و بیان
 نسخه برده : صاریان، مجید، ۱۳۶۳، مقدمه‌نویس
 رده‌بندی کنگر : PIR۳۳۵۶ ۱۳۹۳/۵۲۷
 رده‌بندی دی‌سی : ۸۵۰/۴۲
 شماره کتابشناسی ملی : ۳۴۵۰۹۹

شابک : ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۳۱۳ - ۱۶۲ - ۰۰۰۰۰۰۰۰



تهران: خیابان مفتح، خیابان سمیه، روی بانک ملی ایران، ساختمان ۱۱۸، واحد ۴
 © حق چاپ: ۱۳۹۳، انتشارات سفیر اردهال www.safirardahal.ir

رساله‌هایی در علوم ادبی: بلاغت و انشا

مؤلف: فرصت‌الدوله شیرازی

مقدمه، تصحیح و حواشی: مجید صاریان

از: مجموعه احیای متون/ ۳

دبیر مجموعه: دکتر یوسف بیگ‌باباپور

نوبت چاپ: اول

صفحه‌آراء: منیژه فاتحی

لیتوگرافی، چاپ و صحافی: سفیر قلم

شمارگان: ۵۵۰ نسخه

شماره نشر: ۱- ۳۱۵

قیمت: ۸۰۰۰۰ ریال

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه‌برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی، و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.



به نام آفریننده قلم

مجموعه احیای متون، دز راستای چند مجموعه دیگر حرکتی است در زمینه انتشار میراث مکتوب دوره اسلامی، در موضوعات مختلف که هم اکنون شماره سوم آن نیز با احیای مجموعه رسایی در بلاغت و انشا از مجموعه دریای کمال فرصت شیرازی منتشر می‌شود و به یاری خداوند منان در نظر داریم سالانه چندین متن مصحح در زمینه‌های گوناگون را در این مجموعه منتشر نماییم. پیش از این مجموعه، چندین مجموعه دیگر به یاری خداوند متعال با همکاری دکتر یوسف بیگ باغبانی (مدیر محترم انتشارات سفیر اردهان) آغاز گردید و چند دفتر آن در کتابخانه‌ها به دسترس رسیده که از آن جمله‌اند:

- ۱- جستارهایی در میراث اسناد و مقالات، اسناد و متون که تا کنون شش دفتر آن با چهار ضمیمه منتشر شده است.
 - ۲- مجموعه تاریخ علم، فرهنگ و تمدن اسلامی: چاپ عکسی (فاکسمیله) نفایس متون از کتابخانه‌های مختلف دنیا که هم اکنون بیست مجلد آن منتشر شده است.
 - ۳- مجموعه تذکرة‌های فارسی: تصحیح و انتشار تذکرة‌های چهل و یک نفر از علمای و ادب فارسی که شماره اول آن (تذکرة علمای کشسیر) سال پیش منتشر شد و هم اکنون هفت عنوان دیگر در دست چاپ است.
 - ۴- مجموعه دوا و درمان در روزگاران کهن: مختص احیای متون پزشکی اسلامی که هم اکنون چهل شماره از آن منتشر شده است.
 - ۵- مجموعه فهارس: مشتمل بر فهرست نسخ خطی در کتابخانه‌های مختلف دنیا، که در دست چاپ است تا به حال منتشر شده است.
- این‌ها فعالیت‌هایی است که در کمتر از شش ماه با همفکری و همکاری دوستان دانشمند و اهل قلم، آغاز گردیده و اگر خداوند متعال یاری فرماید، این پروژه‌ها را به چندین مجلد خواهیم رساند تا به نوبه خود خدمتی هرچند ناچیز به فرهنگ عزیز ایرانی - اسلامی کرده باشیم.

دبیر مجموعه

دکتر یوسف بیگ باباپور



سخنی با خوانندگان

به نام خداوند جان و خرد کزین برتر اندیشه برنگذرد

انتشارات سرارد در نیمه دوم سال ۱۳۸۵ به ثبت رسید و از همان آغاز فعالیت خود را در زمینه چاپ و نشر کتاب آغاز نمود. چاپ بیش از ۳۰۰ عنوان کتاب در موضوعات مختلف عصر تلاما در این مدت بوده است.

معرفی و شناساندن فرهنگ ایران عزیز و آثار نویسندگان و مترجمان گرامی از اهداف اصلی این انتشارات باشد که به اجمال روند فعالیت خود را از بدو تأسیس خدمت شما خواننده محترم تقدیم می‌دهیم:

شروع فعالیت انتشارات با تکیه بر موضوعات مختلف و عمومی اعلام شد و با چاپ کتاب در زمینه‌های مختلف از آثار نویسندگان و مترجمان آغاز گردید.

ورزش، علوم سیاسی، مذهبی، روانشناسی، کودکان و نوجوانان، علمی و دانشگاهی، هنر، و طب سنتی موضوعاتی بودند که در چند سال اول فعالیت انتشارات به آن پرداخته شد و کتابهای ارزنده و قابل تأملی در این زمینه‌ها به چاپ رسیدند.

گنجینه فنون کشتی آزاد و فرنگی، فرهنگ جامع فلسطین در آمیند، راه بی‌بازگشت در ۳ مجلد، مجموعه حکمت کوچک در ۶ جلد، مجموعه ۱۰۰۰ حدیث هزار و یکشب، مجموعه انسان شناسی و فرهنگ، کار با گل، داروهای گیاهی سنتی ایران بخشی از کتابهایی هستند که در این مدت به چاپ رسیدند و با اقبال خوانندگان مواجه شدند.

حضور چندین دوره در نمایشگاههای بین‌المللی و داخلی از نمایشگاه کتاب فرانکفورت، نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران و نمایشگاههای استانی و استفاده از

نظر مخاطبان و دانستن نیازهای خوانندگان سیاست انتشارات را به سوی تخصصی شدن در چاپ کتابها هدایت نمود.

استقبال خوب و قابل تأمل و بی نظیر خوانندگان در حوزه گیاههای دارویی و طب سنتی باعث شد تا فعالیت انتشارات به این سمت سوق یابد و ما را در تولید کتاب و آثار فاخر در این زمینه دلگرم نماید.

بلنگاهی به گذشته و فرهنگ غنی ایران عزیز، و علم به جایگاه ویژه طب سنتی در تاریخ گذشتگان و مشاهیر و حتی در فرهنگ اسلامی بر آن شدیم که به معرفی این نوع آثار و هم چنین این مؤلفان بپردازیم.

قسمتی از فعالیت انتشارات به طب اسلامی اختصاص داده شده و چاپ چندین اثر گرانبها از مؤلفان اسلامی متخصص علوم تغذیه و گیاهان دارویی جناب دکتر دریائی حاصل ترس در این زمینه می باشد.

رساله ذهبیه، طب النبوی و طب لائمه، آموزه های طبی و بهداشتی امام رضا (ع) از جمله آثاری است که در این حوزه چاپ رسیده است.

تغذیه سالم و راهکارهای آن در موضوعات دیگری است که به آن پرداخته شده است. کتابهای معجزات درمانی عذائ و عرقیات گیاهی و درمان بیماری ها با دمنوش ها و سردنوشهای گیاهی، ۳۶۵ همهمه غذاهای گیاهی ایرانی، معجزات درمانی و غذایی سیاه دانه و عسل نیز از دیگر کتابهای انتشارات است که در این زمینه به چاپ رسیده است.

اما به لحاظ استفاده از منابع خارجی و کتابهای علمی روز دنیا در بخش ترجمه از وجود مترجمان عزیز همچون سرکار خانم امیر حسینی است که در تولید و چندین اثر شاخص و کاملاً علمی به چاپ رساندیم و موضوعات دیگری را در دست چاپ داریم. رایحه درمانی، درمان بیماریهای کودکان با گیاهان دارویی از جمله این آثار می باشند.

در بخش طب مکمل کتابهایی چون ماساژ پا، ماساژ آیورودیک، ماساژ با سنگ از جمله آثاری هستند که در این بخش توسط سرکار خانم یزدان پناه ترجمه و به چاپ رسیده است.

همکاری با ناشران حوزه نسخ خطی و متون و آشنائی با جناب آقای دکتر یوسف بیگ باباپور از سال ۱۳۹۱ باعث گردید تا بتوانیم در بخش نسخ خطی، متون کهن و طب سنتی و تاریخ پزشکی دوره اسلامی و معرفی بزرگان این رشته قدمهای بزرگی برداریم.

مجموعه بزرگ دوا و درمان در روزگاران کهن که به حدود ۴۰ عنوان رسیده است در جمله این فعالیتها است. در این مجموعه با توجه به نیاز مخاطبان آثار تألیفی بهاهای قبل، تصحیح و ترجمه می گردد و در اختیار جامعه فرهنگی قرار می گیرد. از جمله آثار کتاب نورالعیون می باشد که به تصحیح دکتر بیگ باباپور آغاز گردید و راهبانی این انتشارات با نشر محترم میراث مکتوب به چاپ رسید و در سی و یکمین دوره کتاب سال به عنوان اثر شایسته تقدیر شناخته شد.

کتاب فوق کهن ترین چشم پزشکی به زبان فارسی می باشد که در سده پنجم هجری نگاشته شده است.

در ذیل این مجموعه آثار شاخص در این زمینه در دستور کار قرار گرفته و سرمایه گذاری برای ترجمه و تصحیح آنها آغاز شده است. از جمله این کتب، ترجمه جدیدی از قانون ابن سینا در ۷ مجلد، تصحیح کتاب ذخیره خوارزمشاهی در ۷ جلد، تصحیح کتاب اکسیر اعظم در ۴ مجلد می باشد.

همچنین در بخش تاریخ علم، فرهنگ و تمدن دوره اسلامی و با تکیه بر شناساندن آثار فاخر دوره اسلامی به مخاطبان مبادرت به چاپ عکس (سریه) بخشی از این آثار نموده ایم که تاکنون ۳۰ جلد از این کتابها در این مجموعه به چاپ رسیده است.

تذکره های فارسی، احیای متون، جستارهایی در میراث اسلامی، مجموعه سهارس، مجموعه آثار ابن سینا و نیز میراث عثمانی از دیگر مجموعه هایی است که در این انتشارات در حال آماده سازی و چاپ می باشند.

اما در بخش تولید و چاپ کتاب نکته ای که قابل ذکر است، استفاده مجموعه انتشارات از امکانات بروز چاپ «print on demand» یا چاپ بر اساس نیاز است که از متدهای جدید جهانی می باشد و در دنیا مورد استفاده قرار می گیرد و امکان

چاپ کتاب را در تیراژ پایین و با سرعت بالا فراهم می‌سازد. ما نیز با بهره‌گیری از این امکانات تمامی مراحل تولید کتاب را به صورت کامل در بخش کوچکی با کیفیت بالا انجام می‌دهیم و مشکل هزینه‌های بالای چاپ و گرانی کاغذ را تا حد زیادی حل نموده‌ایم.

امید داریم تا بتوانیم با کمک و یاری و استعانت خداوند متعال گامی هر چند کم در زمینه اعتلای فرهنگ اصیل ایران اسلامی برداریم. در پایان از کلیه همکاران در بخش تألیف و ترجمه، آماده‌سازی، تولید و فروش و همچنین بخانه محترم که با نظریات خویش ما را یاری می‌نمایند، تشکر و قدردانی می‌نمایم. امید داریم شما عزیزان محترم ما را در پیشبرد اهداف یاری رساند و همکاری و مساعدت بیشتری بنمایند.

مدیر انتشارات سفیر اردهال
سیدحسین عابدینی اردهالی

www.ketab.ir

سپاس‌گزاری

خدا را سپاس بگویم که تا نگارنده «یادداشت‌های بلاغی و انشایی فرصت شیرازی» را تصحیح، و به شکر و هنگام و ادبیات ایران تقدیم کند؛

از دست و زیاده‌ها بگذرید. کز عهده شکرش به در آید؟

بعد از نام و یاد خدا، لازم است از اساتید یا کسانی که اگر نبودند، این کار انجام نمی‌پذیرفت. استاد دکتر مهدی محقق که بی‌شهاد پژوهش حاضر را به بنده دادند و برای اینکه نسخه عکسی مجموعه دریای کبیر - که در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی ایران موجود است - در اختیار من قرار دادند هیچ کوششی دریغ نورزیدند. از نگارنده، جز سپاس زبانی، کاری بر نمی‌آید؛ از خداوند منان سلامت و بهروزی ایشان را خواستارم.

همچنین، ضروری است از استادم آقای دکتر جلیل تجلیل قدردانی کنم. بارها مهربانانه مرا در کنار خود پذیرفتند و بر اهمیت این کار تأکید نمودند. ایشان حاصل کار را نیز مطالعه فرمودند و نکته‌های ارزشمندی را برای بنده یادداشت کردند.

در پایان نیز از دوست دانشمندم جناب آقای دکتر یوسف بیگ‌باباپور تشکر می‌کنم که با نظر لطف به این کار نگریستند و آن را برای چاپ در مجموعه احیای متون شایسته دیدند.



عکس فرصت‌الدوله شاهنشاهی

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار
۱۵	مقاله
۴۹	علم معانی
۵۷	علم ان
۱۰۱	علم انشا
۱۱۷	پی نوشت
۱۲۱	کتابنامه
۱۲۵	نمایه

www.ketab.ir

فهرست جداول متن رساله‌ها (بخش علم بیان)

- ۶۰.....<جدول ۱: المشبه و المشبه به حسیان>
- ۶۳.....<جدول ۲: المشبه و المشبه به عقلیان>[.....]
- ۶۴.....<جدول ۳: المشبه و المشبه به مختلفان>
- ۶۸.....<جدول ۴: اقسام غرض از تشبیه که راجع به سوی مشبه باشد>
- ۷۱.....<جدول ۵: اقسام غرض از تشبیه که راجع به سوی مشبه باشد>
- ۷۲.....<جدول ۶: تقسیم است به اعتبار طرفین>
- ۷۴.....<جدول ۷: تشبیه مرکب به مرکب، مرکب به مفرد و مفرد به مرکب>
- ۷۵.....<جدول ۸: تقسیم دیگر در تشبیه به اعتبار تعدد دو طرف یا یک طرف>
- ۷۷.....<جدول ۹: تقسیمی برای تشبیه به اعتبار وجه شبه>
- ۸۰.....<جدول ۱۰: تقسیمی برای تشبیه به اعتبار غرض>
- ۸۳.....<جدول ۱۱: اقسام استعاره به اعتبار وجه>
- ۸۵.....<جدول ۱۲: تقسیمی است به اعتبار وجه جاء>
- ۸۷.....<جدول ۱۳: تقسیم الاستعاره باعتبار الثلاثه>
- ۹۰.....<جدول ۱۴: تقسیم دیگر به اعتبار لفظ مستعار>
- ۹۲.....<جدول ۱۵: تقسیم باعتبار الاطلاق و التجريد و الترشیح>

پیشگفتار

«پیوسته بوده مدرسه علمیه مسکن و مقام
خود در خدمت با سعادت و توفیق رهبرم
ملک نجوم و منطق و حکم تدبیر صرف
نحو و بیباک معانی باشد مستحرم»

(فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ص ۳۳۳)

در قرون اخیر، هم‌زمان با سال‌های پایانی سلطنت قاجار، فرصت‌الدوله شیرازی که از عالمان و ادیبان بنام آن روزگار شمرده می‌شده، گام‌های بزرگ در راه شناسایی و شناساندن علوم ادبی از جمله بلاغت فارسی برداشته و در این زمینه در آمد دوران بوده است. او در شیراز، انجمنی ادبی برپا کرده به نام «فرصت»^۱ و گویا در آن، با حضور شاعرانی چون آسوده، شعاع، شیفته، فصیحی، قدسی^۲ و... به فعالیت‌های گسترده‌ای در زمینه نقد، تصحیح، استقبال، و پرسش و پاسخ پرداخته است.^۳ علاوه

۱. شوهرخواهر فرصت که تصحیح او از دیوان حافظ، با مقابله پنجاه نسخه خطی و چاپی، مشهور است.

۲. برای مشاهده عکس دسته‌جمعی اعضای انجمن فرصت، که ظاهراً قدیمی‌ترین عکس به‌جامانده از انجمن‌های ادبی رسمی در ایران است، رک: امداد، ۱۳۷۲: ۳۳۵.

بر این، فرصت به شعرای جوان نیز «فن شعر» می‌آموخته و تخلص شاعری می‌داده است (امداد، ۱۳۷۲: ۲۳۳ و ۲۳۴). به همین ترتیب، تسلط او بر فنون شعر و ادب به قدری بوده است که نجفقلی میرزا، مؤلف کتاب معروف *درة نجفی* (در علم عروض و قافیه و بدیع)، اذعان می‌کند که وقتی دوران شاگردی او را پشت سر گذاشته، قادر به تألیف آن کتاب شده است. این شاهزاده قاجاری در مقدمه کتاب خود، در این باره، چنین می‌نویسد:

ندی به خدمت عالم یگانه و حکیم فرزانه، آقای میرزا محمدنصیر فرزند آقا میرزا محمدالدوله شیرازی، رئیس معارف فارس، دامت افاضاته، به تحصیل علم عروض و قافیه و بدیع مشغول می‌بودم. پس از تکمیل عروض و قافیه و بدیع، درصدد برآمده که به تألیف و تدوین رساله‌ای مستقل بر آن سه فن مذکوره پردازد (نجفقلی میرزا، ۱۳۶۲: ۴).

ضمن اینکه وی از فرزند خود تا زحمت حاشیه‌نویسی بر آن کتاب را هم تقبل کند که فرصت، متواضعانه، می‌پذیرد. در تقریظ فرصت بر کتاب *درة نجفی*، چنین آمده است: «حواشی این کتاب را چون ماکول به قلم این ناچیز نمودند، انگشت قبول بر دیده هشتم و خلاصه تعلیمی بر آن نوشتیم» (همان، ۲۲۳).

از این رو، به نظر می‌رسد که فرصت‌الدوله شاخص مناسبی برای آگاهی دقیق‌تر ما از وضعیت علوم ادبی در دوره قاجار و به‌ویژه اوایل آن دوره باشد. با این همه و به‌رغم آثار پرشمار وی در زمینه‌های گوناگون علمی و ادبی، استقلال مستقلی از او در علوم ادبی به‌جا نمانده است. جستجو در آثار فرصت نشان می‌دهد که بعضی از مباحث وی به زبان فارسی در زمینه علوم ادبی، که بی‌گمان مهم‌ترین و منسجم‌ترین مباحث به‌جامانده از او در این زمینه هم خواهد بود، در کتاب *دریای کبیر گنجانده* شده است. خواهیم گفت که این کتاب بزرگ‌ترین تألیف فرصت‌الدوله، و دربردارنده یادداشت‌های گوناگون او در موضوعات علمی، ادبی و هنری است؛ اما

جز بخشی از آن، در معرفی شعرای دارالعلم شیراز،^۱ هنوز به چاپ نرسیده و از نسخه منحصر به فرد آن نیز که به خط خود مؤلف است، در کتابخانه حافظیه شیراز نگهداری می‌شود. در میان مطالب گوناگون دریای کبیر، چند رساله قابل بررسی در زمینه علوم ادبی از جمله بلاغت و انشا نیز به چشم می‌خورد که به ترتیب، و به طور جداگانه، با عناوین «معانی»، «بیان» و «انشا»، در قسمت‌های مختلف آن کتاب قرار گرفته‌اند. البته هرچند - به گفته خود فرصت - در کتاب دریای کبیر «غالب مطالب تازه و جالب است که کمتر گوشزد شده، مسطور گردیده» (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۱۷)، با توجه به اینکه در کتاب‌های ادبی (بلاغی) در چند صد سال اخیر عبارت است از: «نظر در کتاب‌های گذشتگان و کوشش در درس دادن، فراگرفتن، بازگفتن و سرانجام نوشتن سبک‌ها، انا شرح یا تلخیص آنها» (صفا، ۱۳۷۳: ۴۱۴)، به نظر می‌رسد که مطالب این رساله نیز از سبک‌گرفته از آثار قدما باشد؛ با این حال، تصحیح و تحلیل آنها از این جهت که را با میزان و چگونگی رواج کتب گذشتگان در عصر مؤلف آشنا می‌سازد، اهمیت دارد. به همین سبب، در این بررسی بیشتر در پی دستیابی به آبخورهای فرصت‌الدوله در نگارش رساله‌های یادشده خواهیم بود و کمتر به جزئیات هریک از رساله‌ها می‌پردازیم. جهت توجه آن است که همه رساله‌های بلاغی و انشایی فرصت‌الدوله در دریای کبیر سرفرازی از آثاری هستند که در سرزمین هند به زبان فارسی نوشته شده‌اند؛ آثاری چون «تذکره دارالعلم» و

۱. این بخش را دکتر منصور رستگار فسایی تصحیح کرده. و در سال ۱۳۷۵ با عنوان تذکره شعرای دارالعلم شیراز در دانشگاه شیراز به چاپ رسانده است. ضمن اینکه وی در یکی از تعلیقات تصحیحی که از آثار عجم تألیف فرصت‌الدوله به دست داده است، بخش دیگری از دریای کبیر را نیز که برگرفته از نامه خسرویان نوشته جلال‌الدین میرزا قاجار می‌باشد، به صورت عکس، گنجانده است تا خوانندگان با خط و نقاشی فرصت آشنا شوند (ر.ک: فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۱۰۰۷ - ۱۰۰۴۲).

مجمع‌الفنون، حدائق‌البلاغه، و مناظرالانشا.^۱ بدیهی است که این امر خود می‌تواند نشان‌دهنده روح کتب برجسته اهالی هندوستان با موضوع‌های بلاغت و انشا در عصر فرصت‌الدوله باشد. بررسی رساله‌های بلاغی و انشایی فرصت از جهت دیگری نیز اهمیت دارد و آن این است که او به تبعیت از روش معمول زمانه، به سخن «مبیز» علاقه بسیاری داشته و توانسته است از روی منابع یادشده رساله‌هایی مختصر را فراهم کند و در عین حال، اغلب به تمام جزئیات موضوع‌های مورد بحث نیز پردازش اساسی وجود کتاب‌های مشروحی که از گذشتگان در موضوعات بلاغت و انشا در دسترس بود، نیازی به تألیف آثار جدید مشاهده نمی‌شده و این رساله‌ها نیز بیشتر زاده نیاز امرمانند بیان کوتاه و ساده موضوعات بلاغی و انشایی است.

www.ketab.ir

۱. این احتمال وجود دارد که فرصت‌الدوله در سفر یا سفرهایی که به هندوستان داشته است، با این‌گونه آثار آشنا شده باشد. همان‌طور که می‌دانیم، در روزگار فرصت، ارتباط فرهنگی و دادوستد معلّم و شاگرد بین ایران و هندوستان گسترده بوده است. خود وی در سفری به هندوستان، کتابی نوشته به نام مختصر جغرافی هندوستان که با کتاب نحو و صرف خطّ آریا یک‌جا چاپ شده است (ر.ک: فرصت شیرازی، بی‌تا: بخش دوم).

مقدمه

احوال فرصت‌الدوله شیرازی

نام، تخلص و القاب

سید محمدنصیر حسینی در ماه صفر ۱۲۷۰ق، و هم‌زمان با دوران سلطنت ناصرالدین شاه قاجار، در شهر شیراز به دنیا آمده است (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۳۵ و ۳۳۳). او ادیب، شاعر، نقاش، موسیقی‌دان و نیز دانشمند برجسته سده گذشته ایران زمین بوده که آثار ماندگار فراوانی را از خود به جا گذاشته است. وی در شاعری «فرصت» تخلص می‌کرده، ضمن اینکه به «میرزا آقا» و «فرصت‌الدوله» تخلص کرده است. فرصت تخلص شاعری‌اش را از استاد خویش شیخ مفید (تخلص به "داور") دریافت کرده، و خود در این باره نوشته است:

یک‌روز قطعه‌ای [خطاب به شیخ مفید] گفتم شعر بر اینکه تخلص به
من مرحمت فرمایید! دو سه دقیقه فکر کرده، این قطعه را بر قطعه-
کاغذی نوشته، به دستم داد:

فرصت آن نور چشم اهل و داد	که در نظم را، ز مُهر گشاد
داور خسته‌خاطر افکار	که ورا بود در سخن استاد

از ره صدق این دعا بنمود که تو را جاودانه "فرصت" باد
(همان، ۳۹ و ۴۰).

همچنین، فرصت شیرازی لقب «فرصت‌الدوله» را پس از خواندن قصیده‌ای
بتایشر آمیز در حضور مظفرالدین شاه، در تهران، از این شاه قاجار دریافت کرده
است. فرصت در این باره هم نوشته است: «پس از اتمام قصیده، [مظفرالدین شاه]
تسخیری برای مرسوم مرقوم داشت و در آن نوشته‌ام "فرصت‌الدوله" خواند»
(همان، ۱۱).

تحصیلات فرصت و مالیات‌های او تا پیش از انقلاب مشروطه

فرصت شیرازی زمانی که هنوز بسیار کودک بوده، در خدمت پدر خود، شروع به
تحصیل نموده است. در پی آن تحصیلات مقدمات در محضر پدر، به توصیه وی، از
شش سالگی تحصیل رسم در مدارس دارالعلم شیراز آغاز کرده است. فرصت شیرازی درباره
و بیان، و... را در مدارس دارالعلم شیراز آغاز کرده است. فرصت شیرازی درباره
نخستین شعر خود، که آن را به تشویق پدرش سروده، چنین نوشته است:

اول شعری که در آن اوقات در کودکی و نوجوانی از طبع فضولم
سرزد، روزی بود که با پدرم به سعدیه "می‌رفتیم؛ آفتاب نهایت
گرم بود. پدرم برای اینکه مرا مشغول نماید، گفت: شعری در صفت
آن صحرا و آفتاب بگو ببینم؛ بدون رویه منم:

روزی برفتم اندر بیابان دیدم به بالا در آفتابان

(همان، ۳۹)

فرصت شیرازی زمانی که یازده سال داشته است، پیش از آنکه به شعر علاقه‌مند
شود، به واسطه پدرش با هنر نقاشی آشنا شده و توانسته است به قلمی محکم و
سبکی مطبوع دست یابد (همان، ۳۸). فرصت‌الدوله در نقاشی سیاه‌قلم مهارت
بسیاری داشته و در این سبک، از شیوه‌ای خاص برخوردار بوده است؛ ضمن اینکه

در نقاشی گل و مرغ و تک‌چهره دست داشته و گاه قلمدان‌نگاری می‌کرده است (پاکباز، ۱۳۸۶: ۳۷۰).

اما فرصت‌الدوله بیشترین و مهم‌ترین سال‌های تحصیل خود را در خدمت شیخ مفید^۲ گذرانده و طبیعتاً بیشترین و عمیق‌ترین تأثیرات را به‌ویژه در شاعری، از این استاد بزرگ پذیرفته است. گفتنی است، فرصت‌الدوله به لحاظ تاریخی با شاعران اصلی دوره بازگشت هم‌زمان نیست و به یک دوره بعد تعلق دارد، اما - شاید متأثر از همین شیخ مفید - راه اعران بازگشت ادبی را ادامه داده و اشعار خوبی هم آفریده است.^۳ در دیوان فرصت با انواع گوناگونی از شعر روبه‌رو می‌شویم که بسیار نیکو سروده شده‌اند: غزل، مثنوی، رباعی، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند و... در این میان، ذوق سرشار و طبع خالی از تکلف فرصت بیشتر به غزل و قصیده گرایش داشته و مضامینی عاشقانه و عارفانه آفریده است. از غزلیات زیبا و معروف فرصت، یکی غزلی است به مطلع زیر:

دیدن روی تو و دادن جان مطلب ماست

پرده بردار ز رخساره کن جان بر لب ماست

(بیت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۷۹)

یادآوری می‌شود که فرصت‌الدوله شیرازی علاوه بر این، با لاقه‌مندی فراوان

۱. ایرج افشار درباره یکی از نابلرهای نقاشی فرصت، که در تصرف تقی تفضلی بوده، چنین نوشته است: «قطعه آبرنگ بسیار خوش‌رنگ و ظریفی است و منظره شیراز را در سال ۱۳۱۸ قمری... نجیب و ملا عثمان می - دهه (افشار، ۱۳۵۰: ۷).

۲. شیخ محمد مفید شیرازی امام جماعت حرم احمدین موسی (ع) بوده که در گوشه‌ای از صحن آن حرم می‌نشسته و جلسات گوناگونی را در علوم ادبیه و غریبه برپا می‌نموده است. در این جلسات، علاوه بر فرصت، شاعرانی نظیر ساکت، سحاب، سهیل، قدسی و... نیز حضور می‌یافته و «انجمن ادبی تاور» را تشکیل می‌داده‌اند (امداد، ۱۳۷۲: ۲۲۱).

۳. جلد دوم فرصت، میرزا نصیر، خود از پیشگامان ترویج سبک بازگشت در ایران بوده است (صفا، ۱۳۱۷: ۱۹۴).

در «انجمن ادبی داور» شرکت می‌کرده، خود نیز با حضور شاعرانی از جمله آسوده، ایزدی، حسن، شعاع، شیفته، صادق، فصیحی، قدسی، مظفر، نوا و... انجمنی ادبی به نام «فرصت» را تشکیل داده و به تدریس مباحث ادبی و شعری پرداخته است. برخی از شاگردان فرصت که از بزرگان عصر قاجار یا دوران پس از آن بوده‌اند، عبارت‌اند: شیخ السلطنه (فرزند مظفرالدین شاه)، نجفقلی میرزا (نوه عباس میرزا)، میرجهانگیرخان صوراسرافیل شیرازی (مدیر روزنامه صوراسرافیل)، روح‌الله خالقی (استاد موقت)

یکی از اتفاقات مهم و اثرگذار در زندگی فرصت شیرازی آشنایی و همنشینی او با "سیدجمال" است. "سیدجمال" بوده است. سیدجمال دو بار به دعوت ناصرالدین شاه قاجار از اروپا راهی ایران شده. فریار که آمده، زمان کوتاهی را در ایران گذرانده است. بار اول که وی به ایران آمد (۱۳۰۰ق)، در مسیر حرکت خود از اروپا به سوی ایران و تهران، در بوشهر دچار سانحه‌ای شد و در آن شهر توقف نموده است. از قضا، فرصت‌الدوله شیرازی که در آن زمان در مسیر حرکت به طرف عتبات عالیات قرار داشته است، به بوشهر می‌رسد. سید را از نزدیک ملاقات می‌کند. فرصت در این باره نوشته است:

دیدم سیدی جلیل و ایدی نبیل
 سیامه سبز کوچکی بر سر دارد و
 قبای سفید عربی در بر، عبایی روی
 قشنگ بر سر، روی صندلی نشسته...
 پرسیدم از شخصی که: این بزرگوار کیست
 و نام مبارکش چیست؟... [گفت:] نامش جمال الدین است...
 سخنانش گوش داد، دیدم چنان نطق می‌نماید که
 انسان متحیر می‌ماند، گفتم:
 سبحان الله، این چه اعجوبه‌ای است! (همان، ۵۰ و ۵۱)

شاید این اندازه شگفت‌زدگی فرصت‌الدوله از اندیشه‌های سیدجمال، ناشی از بی‌خبری فرصت از موج بیداری سیاسی - اجتماعی و علمی در جهان و حتی ایران آن روزگار بوده است. به هر روی، فرصت شیرازی که جوایب حقیقت و خواستار بیداری جامعه‌اش بوده است، در طول توقف چندماهه سیدجمال در بوشهر، به

تحصیل درس‌های نوین سیاسی - اجتماعی و حتی علمی در محضر او می‌پردازد و به لحاظ اندیشه سیاسی - اجتماعی و علمی تحول می‌یابد و در پی عزیمت شاگردش میرزا شجاع‌السلطنه (فرزند مظفرالدین‌شاه و حاکم آن زمان فارس) به تهران^۱ با مساعدت او، راهی پایتخت می‌شود.

با توجه به اینکه فرصت شیرازی در اوج تحولات انقلاب مشروطه در تهران به سر می‌رسد، خواسته یا ناخواسته، درگیر جریان‌های مهم انقلابی این شهر شده^۲ و حتی یک‌بار نیز تا مرز تبعید پیش رفته است. در خاطرات فرصت، دربارهٔ ماجرای تبعید وی چنین آمده است: «این بندهٔ نگارنده را مأمورین بدشعار نیز نیمه‌شب با لباس شعار از منزل بیرون کشیدند... چندین قفا از آنها خورده و دشنام‌ها شنیدم» (همان، ۱۳۸). مأموران ملک‌گور فرصت را سوار بر درشکه کرده‌اند تا وی را مانند بعضی دیگر از مشروطه‌خواهان به یک نادریت تبعید کنند؛ اما زمانی که به مأموران خبر داده‌اند که او معلّم شاهزاده شجاع‌السلطنه است، فرصت را از درشکه به پایین پرتاب و زخمی رها کرده‌اند (همانجا). در هر صورت، «مسلك سیاسی او آزادیخواهی و طرفداری از مشروطه بود و این معنی از تمام نوشته‌های او آشکار است» (رکن‌زادهٔ آدمیت، ۱۳۴۰: ۹۵). یکی از شعری که در فرصت شیرازی به زبان زمان سروده، تغزلی است به مطلع زیر:

با چه قانون اساسی، در چه مذهب، بی‌گناه

ریختی، ای مستبد، خون من مشروط‌خواه؟!

(فرصت شیرازی، ۱۳۶۰: ۱)

۱. شجاع‌السلطنه، به علت ظلم به مردم فارس و در نتیجه قیام مردم این منطقه برضد ستمگری‌های او، مجبور شده بود بدون اینکه رسماً از حکومت فارس استعفا دهد، منطقهٔ فارس را به طرف تیران ترک کند. (فانم‌مقامی، ۱۳۵۹: ۱۱).

۲. فرصت در این باره نوشته است: «در تهران... از ابتدای صدای مشروطیت تا زمان به‌هم خوردن مجلس، همه را بودم و دیدم» (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۳۵). او وقایع مربوط به انقلاب مشروطه را در کتابی جداگانه به تفصیل بررسی کرده است.

ناگفته نماند، فرصت‌الدوله در کنار افرادی چون میرزا محمودخان احتشام-السلطنه (رئیس مجلس شورای ملی)، سلیمان میرزا اسکندری، و... عضو مجمع «آدمیت» بوده که مظهر عقاید روشنفکران زمانه شمرده می‌شده است (وره‌رام، ۱۳۶۷: ۴۱۲).

استقرار مشروطه در ایران و مسئولیت‌های تازه فرصت در شیراز

با استقرار مشروطه در ایران، همه چیز و همه کس به فکر اصلاح و پیشرفت افتاد و فعالیت‌های گوناگونی در راهی در کشور شکل گرفت. از این رو، فرصت شیرازی که از پیشگامان اصلاحات در ایران بود، در همان آغازین سال‌های مشروطیت (۱۳۲۶ق)، به پیشنهاد انجمن محاسبین سوسی حاج مخبرالسلطنه هدایت (وزیر وقت علوم و معارف) به‌عنوان نخستین رئیس معارف و اوقاف شیراز انتخاب و در آن شهر مشغول به کار شد و توانست مدت کوتاهی را در شیراز تأسیس کند. در همین سال، «جعفرقلی خان سهام‌الدوله [مخبرالسلطنه] او را با حفظ سمت، به ریاست عدلیه فارس برگزید. او پس از چندی، ریاست عدلیه استعفا نمود و به خدمت در اداره معارف ادامه داد» (امداد، ۱۳۷۲: ۲۳۷).

همچنین فرصت شیرازی چند سال بعد (۱۳۳۱ق)، با تشویق‌های شخص مخبرالسلطنه هدایت، روزنامه فارس را در شهر شیراز منتشر کرد (صدر هاشمی، ۱۳۶۴: ۶۰ و ۶۱). ظاهراً، فرصت‌الدوله برای تهیه مطالب این روزنامه، به توصیه مخبرالسلطنه هدایت، در گوشه‌ای از بازار وکیل شیراز می‌نشاند. صحبت‌های مردم را گوش می‌داده و بر اساس موضوع صحبت آنان مقاله می‌نویسید (هدایت، ۱۳۶۱: ۲۸۶).^۱ ناگفته نماند، در سال ۱۳۳۴ق، به پاس خدمات گوناگون فرصت،

۱. امتیاز روزنامه فارس را نهایتاً به دستور انگلیسی‌ها از فرصت‌الدوله گرفتند و به فرد دیگری دادند تا این روزنامه در چارچوب نظام سانسور و اختناق متفقین و در جهت تأیید حاکمیت نامردمی آنان منتشر شود (کپن، ۱۳۶۲: ۶۵۶).

«یک قطعه نشان طلای علمی از [نوع] درجه اول با دستخطی از مرکز» برای وی فرستاده شد (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۶۸).

درگذشت فرصت‌الدوله

فرصت شیرازی اندکی پیش از فرارسیدن مرگش، به آماده ساختن قبر و سنگ مزار خود پرداخت. وی با دقت فراوان و خط خوش، به تحریر مطالب سنگ قبر خود مبادرت کرد و آن را به حجّار داد تا نقر کند. و سرانجام، در سحرگاهان روز شنبه دهم صفر سال ۱۳۳۸ برابر با اول آبان‌ماه سال ۱۲۹۹ ش و مقارن با ۲۳ اکتبر سال ۱۹۲۰ میلادی، در سن ۶۴ سالگی بر اثر یک بیماری داخلی مزمن که عارض کلیه و معده وی شده بود، در سن ۶۴ سالگی درگذشت و طبق وصیت خود، درست «در پایین پای» خواجه حافظ شیرازی خاکسپار شده شد (معلم حبیب آبادی، ۱۳۶۴: ۲۰۰۱).

آثار فرصت‌الدوله شیرازی

برخی از مهم‌ترین آثار و تألیفات فرصت‌الدوله شیرازی عبارت‌اند از:

۱. دیوان فرصت یا دبستان‌الفرصة؛
۲. مثنوی هجرنامه (ر.ک: رستگارفسایی، ۱۳۸۵: ۸۲، ۸۱)؛
۳. آثار عجم: این کتاب مشهورترین و پرفایده‌ترین اثر فرصت‌الدوله است؛
۴. بحورالاحان؛
۵. تصحیح شاهنامه فردوسی (ر.ک: افشار، ۱۳۸۲: ۱۳ و ۲۷۵)؛
۶. دریای کبیر: این کتاب، به منزله بزرگ‌ترین تألیف فرصت شیرازی، حاوی

۱. متأسفانه، در سال‌های اخیر، از سنگ قبر فرصت به خوبی محافظت نشده، و نقوش این سنگ، بر اثر لگدمال مردم، در آستانه نابودی قرار گرفته است. با توجه به اینکه مظلّم حکم شده بر سنگ قبر فرصت به خط خود وی نوشته شده است، انتظار می‌رود که دست‌اندرکاران به این مسئله توجه و از ادامه روند یادشده جلوگیری کنند.

مطالب گوناگون علمی و هنری است و فرصت خود درباره جریان نگارش آن چنین می‌نویسد:

در سنه ۱۳۱۴ [ق]، که چهل‌وسه سال از عمرم گذشته بود، کتابی تألیف نمودم مستی به دریای کبیر و قرب دو سال مشغول این تألیف بودم، یعنی در ازمه‌ای که حالی می‌داشتم و از قیل و قال فراغت بالی. این کتاب قرب شصت هزار بیت است، فصل و بایی در آن ملحوظ نشده [و] چون کسکول شیخ بهایی علیه‌الرحمه یا خزائن رحوم نراقی رحمت‌الله‌علیه است؛ ولی فرقی که دارد این است که از کتابی که در آن نقل شده نام آن کتاب و مؤلف یا مصنفش در این کتاب قوم آمده است. فرق دیگر آنکه غالب مطالب تازه و جدیدی که کمتر گوشزد شده، مسطور گردیده و اگر حرفی از خود بنده باشد عرباً، قال المؤلف "و عجمياً" مؤلف گوید "مرقوم شده [است] (فرصت میرزا...)، (۱۳: ۱۱۷).

همان‌گونه که فرصت‌الدوله نیز اشاره کرده، دریای کبیر مجموعه‌ای از چندین گزیده است که به انتخاب فرصت، ویرسین، اسباز و اختصار، از برخی کتاب‌های فارسی و عربی قدما فراهم آمده و به همبر با هم در یکجا جمع شده است. در ۹۲ بخش گنجانده شده است. تعدادی از بخش‌های فارسی این کتاب به موضوعات ذیل اختصاص یافته‌اند: علم حدیث (مؤلف گوید)، تصنیف سعدی (دلاگشا)، گلستان سعدی، اعتقادات علمی و عملی سپاسیان (دبستان‌المسافر)، سلسله اولیا (مطلع‌العلوم)، علم تفسیر (مؤلف گوید)، علم موسیقی (مؤلف گوید) و شرح ادوار،^۱ علم معانی (مطلع‌العلوم)، تاریخ سلاطین (ناسخ‌التواریخ)، تاریخ خلفا (جنات‌الخلود)،

۱. رساله موسیقی دریای کبیر را مرحوم کرامت رعناحسینی در مقاله‌ای با عنوان «دریای کبیر و رساله موسیقی» معرفی کرده است (ر.ک: رعناحسینی، ۱۳۷۱: ۵۷۳-۵۷۴). اینجانب رساله مذکور را نیز تصحیح کرده است که در نشریه پیام بیارستان چاپ می‌شود.

علم مناظره (مؤلف گوید)، و...

اما در دیگر آثار فرصت‌الدوله شیرازی، فراوان دیده می‌شود که وی تفصیل موضوعات گوناگون را به این کتاب ارجاع می‌دهد؛ برای مثال، در بخشی از کتاب *آثار عجم*، او پس از معرفی مختصر شاعران عرب گفته است: «مبنای این کتاب [در این موضوع] بر اختصار است و ما مفصلاً... در کتاب *دریای کبیر* مرقوم داشته‌ایم» (همو، ۱۲۰۲، ج ۱: ۱۲۰). در یکی از حواشی همان کتاب نیز آمده است: «فیثاخرس و جمعی از دیگر حکما... را اعتقاد این است که کره زمین، چون دیگر کواکب سیار، دو حرکت دارد: یکی حرکت وضعیه... یکی دیگر حرکت اینته انتقالی... و این کبیر... در کتاب *دریای کبیر* تفصل و مشروح تفصیل آن را نوشته‌ام و اعتراضات و نواقصی آنها را نیز نگاشته‌ام» (همان، ۲۴۶). به همین ترتیب، در مقدمه *دیوان فرصت‌الدوله* نیز آمده است: «شرح و تفصیل آن [علم جغرافیا] را در کتاب *دریای کبیر* مرقوم داشته‌ام» (همو، ۱۳۳۷: ۱۱۶). با این حال، متأسفانه فرصت‌الدوله مجال نیافته است این محققان تمام کند؛ از این رو، صفحات سفید و ناتمام فراوانی در آن یافت می‌شود، به گره‌های که این نواقص بسیاری از مطالب کتاب را ابر کرده است.

از نسخه منحصربه‌فرد این دانشنامه بزرگ در کتابخانه خطیه شیراز نگهداری می‌شود. ظاهراً این نسخه پیشتر در اختیار سید ضیاء‌الدین فراوانی بوده که فرصت شیرازی (بوده که وی آن را به کتابخانه حافظیه سپرده است. دست‌نویس *دولمه دریای کبیر* را بر کاغذ نسبتاً ضخیمی با مرکب و خطی خوش (نستعلیق) ۱۲۰۰ صفحه تحریر کرده است. در ضمن، این نسخه مصور و نقاشی‌های آن همگی بر کارهای فرصت‌الدوله است (فرستی، ۱۳۵۵: ۸). تا چند سال گذشته، هنوز هیچ‌یک از بخش‌های این کتاب به چاپ نرسیده بود؛ اما به‌همت آقای دکتر منصور رستگار فسایی (استاد بازنشسته دانشگاه شیراز) بخشی از آن حاوی معرفی شعرای فارس تصحیح شد و در سال ۱۳۷۵، با عنوان *تذکره شعرای دارالعلم شیراز*، از سوی انتشارات

دانشگاه شیراز به زیور طبع آراسته آمد.

رساله در علم معانی

نخستین رساله بلاغی فرصت‌الدوله شیرازی در مجموعه دریای کبیر به علم معانی پردازد.^۱ در این رساله کوتاه که حجم آن از سه صفحه فراتر نمی‌رود، بعد از مقدمه‌ای در تعریف علم معانی، نخست به عیوب فصاحت و بلاغت پرداخته شده و «ضعف تألیف»، «اخلال»، «تنافر کلمات»، «انقال کلام»، «تعقید»، و غیره سخن رفته و سپس به انواع جمله‌های خبری و طلبی اشاره شده است.

همان‌طور که در فرصت‌الدوله در ابتدای رساله معانی یادآوری کرده، مطالب این رساله برگرفته از کتاب «مطلع‌العلوم و مجمع‌الفنون» است. البته فرصت فقط پیش از آغاز رساله خود، به نام کتاب «مطلع‌العلوم» اشاره نموده و هیچ تصریحی به استفاده از آن نکرده است. بلکه توجه ما اینک است که وی در معرفی دریای کبیر و مطالب آن بیان می‌دارد که: «از هر کتابی که در آن نقل شده نام آن کتاب و مؤلف یا مصنفش در این کتاب [= دریای کبیر] مرقوم شده» (فرصت شیرازی، ۱۳۳۷: ۱۱۷)، چنین می‌نماید که منظور او از ذکر نام کتاب «مطلع‌العلوم» بر پیشانی رساله معانی بهره‌گیری او از آن کتاب در فراهم ساختن رساله خود باشد؛ هرچند اشاره‌ای به نام مؤلف یا مصنف کتاب یادشده نمی‌کند. باید دانست که «مطلع‌العلوم و مجمع‌الفنون» را حکیم منشی واجدعلی خان، پزشک و نویسنده فارسی‌نویس شیراز، مقاره و از مردم هوگلی (از توابع کلکته)، در سال ۱۲۶۱ق نوشته است (روش، ۱۳۰۱: ۲۶۳۱ و ۲۶۳۲). این کتاب که در اصل دو جلد است، با مطلع‌العلوم (در علوم گوناگون: تاریخ، نجوم، معانی، بیان، اخلاق و...) آغاز می‌شود و با مجمع‌الفنون (در فنون

۱. ر.ک: فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۲۰۹-۲۱۱.

گونگون مثل صید و شکار و...) پایان می‌پذیرد.^۱

در واقع، با مقایسه بین مباحث و شواهد رساله معانی دریای کبیر و باب دهم کتاب مطلع‌العلوم (در علم معانی)، به این نتیجه می‌رسیم که رساله فرصت‌الدوله دربرگیرنده همان مطالب کتاب مطلع‌العلوم است؛ با اعمال برخی تغییرات، از جمله: حذف اضافه چندین کلمه، عبارت، و جمله. برای مثال، در بحث از کلام خبری، واجد علی‌خان نوشته است:

صیغی که اگر در مسند یعنی خبر که آن را حکم نیز گویند سامع
انکار واقع شود، برای رفع تردد و دفع انکار، الفاظ
مؤکدات در اصل قَسَم و هرگز و هرآینه است (واجد علی‌خان
هوگلی، معجم: ۱۴۰).

اما فرصت که ظاهراً این جمله را است یافته، در رساله خود، آن را به صورت
زیر اصلاح کرده است:

واضح باد که اگر در مسند می‌خبر که آن را حکم گویند سامع را
تردد یا انکار واقع شود، برای رفع تردد و دفع انکار، الفاظ مؤکدات
آرند؛ و الفاظ مؤکدات در پارسی قَسَم و هرگز و هرآینه است
(فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۱۱۱).

همان‌طور که مشاهده می‌شود، این‌گونه تغییرات هیچ‌یک اثر عمده‌ای در
محتوای رساله فرصت‌الدوله در مقایسه با کتاب مطلع‌العلوم ایجاد نمی‌کنند.
مطالب رساله معانی دریای کبیر تا حدودی ناقص به نظر می‌رسد و این مسئله از
آنجا ناشی می‌شود که فرصت در نگارش آن، خود را مقید به استفاده از کتاب

۱. ر.ک: واجد علی‌خان هوگلی، مطلع‌العلوم و مجمع‌الفنون. شایان ذکر است، با توجه به اشتغال مطلع‌العلوم و
مجمع‌الفنون بر علوم و فنون مختلف، فرصت‌الدوله در دیگر بخش‌های دریای کبیر نیز چه با تصریح و چه بدون
تصریح از آن استفاده می‌کند (برای نمونه، ر.ک: فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۱۷).

مطلع‌العلوم کرده و به مباحث متداول کتب بلاغی در علم معانی از جمله حصر و قصر، فصل و وصل، و... نپرداخته است.

رساله در علم بیان

فرصت‌الدوله شیرازی، در دومین رساله بلاغی دریای کبیر، به علم بیان پرداخته است. وی پس از تعریف علم بیان (به «ایراد یک معنی به طریق متعدد، به سببی که بعضی از آن واضح‌تر باشد از بعضی») (فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج: ۱۵، به ترتیب، مسائل بنیادین این علم را عبارت دانسته است از: تشبیه، استعاره، مجاز مرسل، کنایه. تعریف یادشده از علم بیان و نیز تقسیم مسائل بنیادین این علم به تشبیه و مجاز مرسل، و کنایه بیانگر آن است که مباحث این رساله کم‌وبیش سنتی خواهد بود. چنان‌که می‌دانیم، در کتب بیان سنتی است که فقط از چهار طریق یادشده به صورت نمونه‌ای کاربرد هنری الفاظ سخن می‌رود.

بر همین اساس، او موضوع را به تعریف تشبیه و بیان ارکان آن آغاز کرده، و در دوازده فصل جداگانه، از مباحث ذیل سخن به میان آورده است: مشبه و مشبه‌به حسّی؛ وجه‌شبه و اقسام آن (غیرخارج از کیفیت طرفین یا غیرداخل در حقیقت طرفین، و آن یا صفت حقیقی است یا اضافی). تقسیم‌بندی برای وجه‌شبه: واحد یا غیرواحد؛ غرض از تشبیه؛ تقسیم تشبیه به اعتبار دو طرف (مفرد به مفرد، مرکب به مرکب، مفرد به مرکب، و مرکب به مفرد)، به اعتبار وجه‌شبه (تمثیل، غیرتمثیل، مجمل، مفصل، قریب، و بعید)، و به اعتبار غرض (مقبول و مرود). تقسیم دیگر در تعدّد دو طرف تشبیه (ملفوف و مفروق) یا تعدّد یک طرف (تسویه و جمع)؛ ادات تشبیه و اقسام تشبیه به اعتبار آن ادات (مؤکّد و مرسل).

او در ادامه و پیش از تعریف استعاره و بیان اقسام آن، «چون استعاره قسمی از مجاز است»، نخست به تعریف حقیقت و مجاز و فرق میان آنها و استعاره و کنایه پرداخته و سپس، از استعاره بالتصریح و بالکنایه سخن گفته و در فصولی چند به مباحث استعاره اشاره کرده است: تقسیم استعاره به اعتبار مستعارمنه و مستعارله (وفاقاً بر عنایه) و به اعتبار وجه جامع؛ تقسیم استعاره به اعتبار مستعارمنه، مستعارله و وجه جامع؛ تقسیم استعاره به اعتبار لفظ مستعار («بدان که لفظی که برای استعاره می آورند دو قسم است: یکی اصلیه و دیگری تبعیه...») (همان، ۲۲۹)؛ تقسیم استعاره به اعتبارات دیگر (سلفه، مجردة، و مرشحه)؛ استعاره مصرّحه؛ استعاره از نوع مجاز مفرد و استعاره از نوع جمع (از هر کتب (تمثیل)؛ استعاره بالکنایه و استعاره تخیلیه.

در بخش بعد نیز مرسل را گونه‌ای از تعریف مجاز مرسل، و بیان نسبت آن با استعاره، انواع مجاز را بیست و پنج را دانسته و جز یکی که همان استعاره مصرّحه است، همه را مجاز مرسل شمرده و با ذکر مثال توضیح داده است. او در بخش پایانی این رساله نیز به تعریف کنایه پرداخته و آن را سه قسم دانسته است:

اول آنکه مقصود از کنایه ذات موصوفه باشد فقط، و صفت و نسبت نباشد. و این بر دو قسم است: ... قریب و بعید. قسم دوم از کنایه آن است که مطلوب از کنایه صفتی از صفات باشد نه ذات. و این نیز بر دو قسم است: قریب و بعید. اما قریب ایضا بر دو قسم است: واضحه و خفیه... قسم سیم از کنایه آن است که غرض از آن نسبت باشد (همان، ۲۳۴).

وی در این بخش، همچنین، کنایه را از منظری دیگر به انواعی چند (تعریض، تلویح، رمز، اشارت و ایما) تقسیم می‌کند و هر یک را با شواهد توضیح می‌دهد. با نگاهی گذرا به ساختار رساله فرصت‌الدوله در علم بیان، نخست چنین به نظر می‌رسد که فرصت نیز همچون بیشتر بلاغت‌نویسان زبان و ادب فارسی، به طور مستقیم، از سرچشمه‌های جوشان بلاغت در زبان عربی نظیر *مطول* و شرح

مختصرالمعانی علامه تفتازانی بهره‌مند شده و به ترجمه آنها پرداخته باشد؛ اما باید دانست که این گونه آثار فقط دسته‌ای از آبخشورهای فرصت‌الدوله در نگارش رساله بیان بوده‌اند. این در حالی است که فرصت در رساله بیان، برخلاف رساله معانی، اشاره‌ای به منبع یا منابع خود نکرده است. سیری در کتاب‌های بلاغی فارسی عربی نشان می‌دهد که فرصت‌الدوله، برای فراهم ساختن رساله خویش در علم بلاغت، از کتب و منابع زیر یاری جسته است:

۱. *حداائق السحر*، این کتاب متعلق به میرشمس‌الدین فقیر دهلوی است و او کتاب خود را در سال ۱۱۶۸ق، در هندوستان، به زبان فارسی نوشته است. همان‌طور که می‌دانیم، جری است قدال مهم بیان از سایر علوم بلاغی در شبه‌قاره هند از قرن یازدهم هجری و در آثاری چون *حداائق البلاغه فقیر دهلوی* رواج یافت و این کتاب، متفاوت با کتاب‌هایی نظیر *ترغیب الی الاغیة*، *حداائق السحر*، *المعجم*، و... در پنج حدیقه جداگانه (بیان، بدیع، عروض، فافیه و مینا) تألیف شد (دادبه، ۱۳۸۳: ۲۵۰). پیداست که فقیر دهلوی، بسان اکثر نویسندگان کتب بلاغی فارسی، کتاب‌های تفتازانی به‌ویژه شرح *مختصرالمعانی* را سرمشق و الگویی اصلی این تألیف خود قرار داده است (صادقیان و رضایی اردانی، ۱۳۸۶: ۲۰). به نظر می‌رسد که فرصت‌الدوله، با آگاهی از اهمیت این کتاب، حدیقه «بیان» آن را مبنای اصلی خویش در تبویب و فصل‌بندی رساله بیان قرار داده و از بسیاری مباحث و شواهد آن نیز استفاده کرده است. البته، بررسی مشترکات رساله فرصت با حدیقه فقیر نشان می‌دهد که فرصت‌الدوله به رونویسی صرف از کتاب فقیر دهلوی نپرداخته، و گاه با کم یا زیاد کردن برخی کلمات و جملات، تغییراتی نیز در آن به وجود آورده است. در این بخش به نمونه‌ای از مشابهت‌های حدیقه بیان فقیر و رساله بیان فرصت اشاره می‌شود که به نظر نمی‌رسد اتقاقی باشد:

فرصت‌الدوله:

فصل (تقسیم دیگر از برای استعاره به اعتبار لفظ مستعار)

بدان که لفظی که برای استعاره می‌آورند دو قسم است: یکی اصلیه و دیگری تبعیه. اصلیه آن است که لفظ مستعار اسم جنس باشد، مثل استعاره «اسد» از برای «مرد شجاع». اما تبعیه آن است که لفظ مستعار فعل باشد یا شبه فعل، یا حرف باشد؛ و وجه تبعیه بودن آن این است که فعل یا حرف صلاحیت موصوف بودن را ندارند و بنای استعاره بر موصوف بودن است. پس موصوف در استعاره تبعیه معنی مصدری ندارد و مستعار معانی حروف خواهد بود و اطلاق استعاره را بر فعل و حرف در سینه «تبعیه» می‌نمایند نه به طریق «اصالت». مثال آنکه لفظ مستعار فعل باشد مثل: نَطَقَتِ الْخَالُ بَكْذَا؛ آنکه شبه فعل باشد، مثل: الْخَالُ نَاطِقٌ كَذَا (اول به معنی دَلَّتْ بَكْذَا و در ثانی به معنی دَالَّةٌ بَكْذَا که مستعار منه لفظ «دلت» و مستعار له لفظ «دالت» است و تشبیه راجع به نطق و دلالت می‌شود) مثال آنکه لفظ مستعار حرف باشد، مثل: فَالْتَقَطَهُ الْفِرْعَوْنُ كَوْنَهُ عَدْوًا وَ حَزْنًا (در اینجا، لام تعلیل در «لیکون» به طریق استعاره است و «عجازه» نه در لام است، بلکه در معنی غرض است که متعلق به لام است) مثال آنها در این جدول است (فرصت شیرازی، دریای کبیر، ۲۲۰ و ۲۳۰).

فقیر دهلوی:

بدان که تقسیم استعاره به اعتبار لفظ مستعار، بر دو قسم است: اصلیه و تبعیه. اما استعاره اصلیه آن است که لفظ مستعار اسم جنس باشد، مثل استعاره «اسد» برای مرد شجاع و استعاره «گل» برای رخسار و امثال آن، و از این باب است علمی که به تأویل در اسم جنس داخل شود، مثل آنکه بخیل را به حاتم و جبان را به رستم استعارد کنند... اما استعاره تبعیه آن است که لفظ مستعار فعل یا شبه فعل یا حرف باشد و وجه تبعیه بودنش آن است که فعل و حرف را صلاحیت موصوف

بودن نیست و بنای استعاره بر موصوفیت است. ... پس موصوف در استعاره تبعیه معنی مصدری فعل و متعلقات معانی حروف خواهد بود و اطلاق استعاره بر فعل و حروف برسبیل تبعیت خواهند کرد، نه به طریق اصالت. و حاصل این سخن آن است که تشبیه در استعاره فعل و متعلقاتش راجع به معنی مصدری آن فعل می‌گردد و در حرف عاید به متعلق معنی آن می‌شود و متعلق معنی حرف چیزی است که تعبیر به حرف از آن می‌کنند... اما مثال آنکه لفظ مستعار فعل یا شبه-فعل باشد، کقولک: الحال ناطقه بکذا او نطقت الحال بکذا، به معنی بکذا و دلت بکذا. و در اینجا، مستعارمنه لفظ نطق و مستعارله لفظ بکذا است و لفظ مستعار در مثال اول اسم فاعل و در مثال دوم فعل ماضی است و تشبیه در اینجا راجع به نطق و دلالت می‌شود، نه به فعل ماضی و اول و فعل ماضی آن... و اما مثال آنکه لفظ مستعار حرف باشد، آنکه آمده است: فالتقطه آل فرعون لیكون لهم عدواً و حزناً؛ یعنی بر سرشند حضرت موسی را اهل بیت فرعون به جهت آنکه دشمنی رحیمی با آنها باشد. پوشیده نماند که لام تعلیل در لیكون به طریق استعاره واقع شده و استعاره نه در لام است، بلکه در معنی غرض است که متعلق به لام است زیرا که... (فقیر دهلوی، ۱۸۹۳م: ۳۴ و ۳۵).

۲. مناظرالانشا: گفته شد که فرصت‌الدوله - یعنی الاغّه - را مبنای اصلی تألیف رساله بیان قرار داده است؛ اینک باید افزود که ردّ این ادعا می‌شود و شواهد او در این رساله در کتاب مناظرالانشا نیز یافت می‌شود. مناظرالانشا کتابی در ترسل و انشاست که خواجه عمادالدین محمود گاوآن^۱ آن را در قرن چهارم هجری به رشته تحریر در آورده و ضمن مقدمه‌ای که بر آن نوشته، مختصری به نام بیان نیز پرداخته

۱. محمود گاوآن از ایرانیانی بوده که در زمان پادشاهی علاءالدین احمد بیهمنی راهی هندوستان شده و به خدمت در دستگاہ پادشاهان بیهمنی (از بزرگ‌ترین مراکز فرهنگ ایران در شبه‌قاره) پرداخته است (نوشه، ۱۳۸۰: ۲۳۰۶ - ۲۳۰۹).

است. به هر روی، از آبشخورهای فرعی فرصت‌الدوله در نگارش رساله بیان، یکی مقدمه کتاب مناظرالانشا بوده؛ هرچند وی با زهم اشاره‌ای به منبع خود نکرده است. اما با مقایسه بین برخی از مباحث و شواهد فرصت‌الدوله و گاوآن، این مسئله به وضوح دیده می‌شود. برای نمونه، فرصت در تعریف «وجه‌شبهه» و اقسام آن چنین می‌نویسد:

بدان که وجه شبه امری است مشترک میان مشبه و مشبه‌به، از روی تخیل از روی تخیل. وجه شبه حقیقی آن است که مقرر باشد در اقسام آن؛ مثال آن واضح است. و وجه شبه تخیلی آن است که یافته نشود در احد طرفین یا در هر دو طرف، مگر بر سبیل تخیل و تأویل؛ همان‌گونه که در شعر:

وَكَأَنَّ النُّجُومَ بَيْنَ الْجَوَانِبِ
سُنَّ لَاحَ بَيْنَهُنَّ اِبْتِدَاعُ

وجه شبه در این بیت همیشه حاصله است از حصول اشیاى مشرقه در جوانب چیزی که مظلوم و ستم شده است و این هیئت غیرموجود در مشبه‌به است، مگر بر سبیل تخیل؛ زیرا که اشراق و سفیدی در سنت، و ظلمت و سیاهی در بدعت از روی تخیل است نه تحقیق... (فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۲۱۸).

همین موضوع در فصل ششم از مقدمه مناظرالانشا (که در ادامه به آن اشاره خواهد شد) چنین آمده است:

... وجه‌شبهه امری است مشترک میان مشبه و مشبه‌به، به حسب تحقیق یا تخیل که آن آن امر را زیادت اختصاص باشد به مشبه و مشبه‌به، مع قصد اشتراک آن هر دو در آن امر. و وجه حقیقی آن است که مقرر باشد در ذات طرفین. و وجه‌شبهه تخیلی آن است که وجه‌شبهه یافته نشود در احد طرفین یا هر دو طرف الا بر سبیل تخیل و تأویل... وجه‌شبهه تخیلی چنان که قاضی تنوخی گفته است، شعر:

و كَانَ النَّجْمَ بَيْنَ دُجَاهَا سُنَّ لَاحَ بَيْنَهُنَّ اِبْتِدَاعَ

وجه شبه در این بیت، هینت است که حاصل است از حصول اشیای مشرقه بیض در جوانب شیء مظلم اسود و آن هینت موجود نیست در مشتهبه آلاً برسبیل تخییل، زیرا که اشراق و سفیدی در سنت و ظلمت و سیاهی در بدعت به طریق تخییل است نه تحقیق... (گاوان، ۱۳۸۱: ۷۰ و ۷۱).

مطالعه در مجمع‌الفنون: بیشتر در بررسی رساله معانی، ضمن معرفی این کتاب، گفته شد که فرصت‌الدوله آن رساله را از روی مطلع‌العلوم نوشته، ضمن اینکه در نکات دیگر رساله‌های دریای کبیر نیز به این کتاب نظر داشته است. همچنین، پیش از این، گفته آمد که مبنای اصلی رساله فرصت‌الدوله در علم بیان، کتاب حدائق‌البلاغه و یکی از شاخوره‌های فرعی آن کتاب مناظر‌الانشاست؛ ولی باید افزود که گاه دیده می‌شود فرصت‌داری برخی جملات و عبارات این رساله را از باب یازدهم کتاب مطلع‌العلوم (در علم بیان) برداشته، حال آنکه هیچ اشاره‌ای به نام آن کتاب یا مؤلف آن نیز نکرده است. بر این مبنی، فرصت‌الدوله در همان آغاز رساله‌اش در تعریف علم بیان چنین می‌نویسد:

علم بیان عبارت است از ایراد یک معنی به طرق متعدد، به طوری که بعضی از آن واضح‌تر باشد از بعضی از آن. (در علم بیان شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۲۱۵).

در کتاب مطلع‌العلوم، علم بیان این‌گونه تعریف می‌شود:

علم بیان عبارت است از ایراد معنی واحد به طرق متعدد، به نهجی

۱. برای نمونه‌های بیشتر از این‌گونه مشترکات، ر.ک: فرصت‌شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۲۳۲ و گاوان، ۱۳۸۱: ۸۷

که بعضی از آن واضح‌تر باشد از بعضی (واجد علی خان هوگلی،
مطلع العلوم: ۱۶۱).

باز، می‌بینیم که تعریف فرصت‌الدوله از تشبیه - بی کم و کاست - همان تعریف
مندرج در کتاب مطلع العلوم است:

تشبیه در لغت دلالت است به مشارکت دو چیز به معنی واحد...
(فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۱: ۲۱۵ و ۲۱۶/ واجد علی...، مطلع-
العلوم: ۱۶۱).

البته به نظر من این تشبیه که فرصت برای نگارش رساله بیان، علاوه بر منابع یادشده، به
طور مستقیم نیز از کتاب اللغات در زبان عربی نظیر مطول و شرح مختصر المعانی
بهره‌مند شده باشد؛ زیرا بیست و شش مورد از منابع اصلی او (حدائق البلاغه) به شعر فارسی
بوده و مؤلف آن جز معدودی از شعر عربی استفاده نکرده است. اما فرصت که
تمایل داشته است تا به پیروی از شیوه‌ها، از منابع فارسی (در حدائق السحر)، هم
از اشعار فارسی و هم از اشعار عربی به عنوان شاهد در رساله خود استفاده کند،
بسیاری از شواهد خویش در شعر عربی را از کتابخانه بلاغت عربی استخراج کرده
است. از این گذشته، فرصت برخلاف فقیر دهلوی که از مجاز را نه قسم پنداشته
(فقیر دهلوی، ۱۸۹۳م: ۳۹ - ۴۱)، مجاز را بیست و پنج مورد داشته و جز یکی که
همان استعاره مصرحه است، همه (بیست و چهار مورد) را مجاز کامل نام برده و این
هماهنگی با کتاب‌های بلاغی عرب است که منابع درسی او را تشکیل می‌دهد.

بدین ترتیب، به نظر می‌رسد، رساله فرصت‌الدوله در علم بیان ترکیبی از مطالب
کتاب‌های گوناگون باشد که به طور خلاصه گردآوری شده و مجموعه‌ای مستقل را
فراهم ساخته است. شاید به همین دلیل باشد که فرصت در این رساله، برخلاف آنچه
ادعا کرده و روشی که در اغلب رساله‌های دریای کبیر در پیش گرفته، هیچ اشاره‌ای
به منبع خود نکرده است.

رساله در علم انشا

آخرین رساله دریای کبیر در زمینه بلاغت و انشا نیز اختصاص به علم انشا دارد.^۱ در این رساله پس از مقدمه‌ای کوتاه «در بیان ماهیت علم انشا و موضوع و غایت آن» در چهار فصل جداگانه از مباحث ذیل سخن رفته است:

کلام منثور و منظوم و تقسیم‌بندی‌های گوناگون آنها، و نیز شرایط کلام مستحسن (سلاست، متانت، و لطافت)؛

۱. ماهیت انشاس (مستحسن و مستهجن) و درج؛

۲. نام‌های انشاس (همچون: منشور یا فتح‌نامه یا فرمان، مثال، عریضه، مکتوب، رقعہ، و...)

۳. ماهیت خط و ضبط آن (شامل مباحثی چون: وقف، کیفیت کتابت همیزه، افزونی و نقصان حروف، و...).

با نگاهی به مباحث و سرفصل‌های رساله انشا، چنین به نظر می‌رسد که این رساله، در مجموع، با هدف آموزش علم انشا و تعلیم اصول صحیح و معتبر کتابت فراهم آمده است. از این رو، با توجه به جنبه آموزشی رساله، نگارنده آن کوشیده است تا آن قدر که امکان دارد، جانب اختصار را رعایت کند. با نگاهی به دیگر آثار فرصت، می‌بینیم که او در آثار عجم از این رساله یا اشاره کرده است؛ او در این کتاب می‌نویسد:

معرفت محاسن و معایب تراکیب نثریّه را بصیرت و سلیقه کلام منثور را از "مرجّز" و "مسجّع" و "عاری" دانم، "سلاست" و "متانت" و "لطافت" و "اقتباس مستحسن و مستهجن" را دیده و خوانده‌ام؛

۱. ر.ک: فرمت شیرازی، دریای کبیر، ج ۳: ۸۶۶ - ۸۷۴

بلکه پاره‌ای از این علم را در کتاب مستقی به دریای کبیر - که تألیف این فقیر است - ذکر نموده‌ام (فرصت شیرازی، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹ و ۱۰).

با توجه به اینکه در سرتاسر مجموعه دریای کبیر، فقط همین رساله است که به علم انشا اختصاص دارد، اشاره فرصت‌الدوله در کتاب آثار عجم را باید معطوف به همین رساله بدانیم. نکته اینست که اینک موضوع بحث ماست. بررسی رساله انشا و مقایسه آن با آثار انشای گذشتگان نشان می‌دهد که این رساله نیز برگرفته از آثار پیشینیان است؛ اگرچه فرصت‌الدوله در بررسی به منبع موردنظر خود و نگارنده آن نمی‌کند. همان‌طور که می‌دانیم، قدیم‌ترین کتابی که در این باب به فارسی نوشته شده، اثری بی‌نام از محمد بن عبدالخالق است که زمان نگارش آن به قرن ششم هجری بازمی‌گردد و اخیراً نیز آن را سید محمد میری نامیده‌اند؛ ولی آبخوهر فرصت‌الدوله در رساله انشا، از بین آثار متأخرتر است. سید محمد گام بررسی رساله بیان، گفته شد که فرصت‌الدوله برخی از مباحث و شواهد رساله انشا را در مقدمه کتابی به نام مناظر الانشا، تألیف خواجه عمادالدین محمود گاوان (دو قرن نهم هجری)، استخراج کرده است؛ همچنین گفته شد که موضوع اصلی این کتاب بررسی و انشاست. با مقایسه بین مباحث و شواهد رساله انشا و کتاب مناظر الانشا، چنین به نظر می‌رسد که فرصت‌الدوله رساله انشا را نیز بر اساس آن کتاب نوشته است. در این رساله انشای فرصت تلخیص کتاب مناظر الانشاست و فرقی که با آن دارد این است که الف) از آنجا که مناظر الانشا بسیار پیشتر از رساله فرصت‌الدوله نگاشته شده و برخی از مباحث آن در روزگار فرصت از رواج افتاده، فرصت به این مسئله مسائل بی‌توجه نبوده و گاه به آنها اشاره کرده است؛ برای نمونه، وی در پایان بحث از نحوه کتابت همزه نوشته است:

... بالجمله، این رسم الخطی است که قدما به قید ضبط آورده‌اند،
ولکن در این زمان به خلاف آنچه مرقوم گردید ظاهر است، بسا که

مراعات ضوابط قدیمه را نمایند؛ همانا که به مرور ازمنه تغییر در هر وضع خواهد بود (فرصت شیرازی، دریای کبیر، ج ۳: ۸۷۲).

به همین دلیل، او گاه مطالبی را به مباحث آن کتاب افزوده است تا تکمیل کننده آن باشد؛ مثلاً اصطلاح قالب شعری ترکیب‌بند که در دوران گاوآن هنوز تداول ندانند داشته و در کتاب او هم نیامده، اما در دوران فرصت تداول داشته، به فهرست قالب‌های شعری رسالهٔ انشا افزوده شده و پس از توضیح آن، آمده است: «... این قالب‌ها را این زمان ترکیب‌بند گویند» (همان، ۱۸۶۶).

از فنی که از معیارهای فرصت‌الدوله در تلخیص مطالب مناظرالانشا نیز همین بوده و گوی او از ذکر مطالبی از آن کتاب صرف نظر کرده که دیگر در زمان وی رواج پیدا نکرده است. برای مثال، فرصت از موضوع «سجع» (که گاوآن، چون در دوره‌های زنگنه می‌کرده که تصنع و تکلف اساس سلیقهٔ ادبا را تشکیل می‌داده، به تفصیل دربارهٔ آن سخن گفته) به سرعت عبور کرده و به معرفی اجمالی آن بسنده نموده است؛ زیرا در دوران فرصت، اهل انشا و ادب به کارگیری «سجع» در نامه‌های فارسی را ناخوش می‌دانسته و منشیان را از آن منع می‌کرده‌اند. به این دلیل که با وجود سجع چه‌بسا سخن به ادب می‌گردد و مؤلف از سخن که دارد، بازماند (همو، ۱۳۷۷، ج ۱: ۹). ضمن اینکه به همین دلیل، زبان خود رسالهٔ انشا نیز در مقایسه با مناظرالانشا ساده‌تر گشته، و در آن، از بی‌سلیقه‌آمیز موضوعات پرهیز شده، و مطالب به زبان سادهٔ رایج در روزگار فرصت درآمده است. به نمونهٔ زیر توجه کنید؛ گاوآن در مناظرالانشا می‌نویسد:

چون اقتباس آیات و احادیث و درج امثال و ایات نور حدقه
فصاحت و نور حدیقه ملاحظت است و عذبهٔ رایت لطافتش در مصاف
قبول استحسان به نسیم شرافت مهتر و گل‌های گلشن بلاغت به
قطرات سحاب اقتباس و درج، سیراب و سرسبز واجب دید که درج
مبحث شرایط حسن قبول کلام را به تبیین ماهیت و احکام هر دو

مختوم ختامه مسک گرداند و نزد این فقیر اقتباس احادیث و آیات و درج امثله و ایات در کلام مانند پیوند اشجار بهره‌مند است که اگرچه میوه هر یک در حد ذات حسنی و لذتی دارد اما چون با شاخ دیگری پیوند گرفت در حسن و بها، اجمل و ابهی است و در مذاق طباع، الذّ و احلی است (گاو، ۱۳۸۱: ۱۵۷).

فرصت همین مطلب را که با انواع آرایش‌های زبانی نوشته شده، بدون اینکه چیزی را محتوای آن بکاهد، این گونه بیان کرده است:

دان اقتباس از آیات و احادیث و درج امثال و ایات در کلام سبب است آن است و در مذاق طباع آذ و احلی است (فرصت شیوازی در دیوان، ج ۳: ۸۶۸).

بدون تردید، این امر نیز کلامی است که در آن کتاب کمک کرده است.

ب) در مواردی نیز مشاهده شد که برخی مباحث و شواهد به رساله انشا افزوده شده است. برای مثال، فرصت در مصراع «درج الفاظ مصطلحه علم صرف» به دو رباعی زیر از مجموعه اشعار خود اشاره کرده آورده است:

«فقیر، مؤلف، وقتی گفته‌ام (رباعی):

من می‌صنما ز جام اجوف خواهم
دوشینه می‌صحیح یاقوت مثال

وله ابضاً

وان رصف لفتت همه بر کف خواهم
ناقص دادی، کجاست مدعا عاف خواهم

دیگر چه کنم به هجر خلیل وی
نپیش ز جفا کنم، کند جحد که کی

عمرم به فراق عهد ماضی شده طی
امرش به وفا کنم، کند نفی ز خویش

(همان، ۸۷۳).

فرصت موارد دیگری را نیز به همین شکل در رساله خود گنجانده است. از جمله، روایتی از نکاح مأمون و دختر حسن فضل (همان، ۸۶۸) و نیز شواهدی فارسی و

عربی از خاقانی (همان، ۸۶۹) و خواجه سلمان (همان، ۸۷۳) و... که برای پرهیز از دراز شدن کلام از ذکر همه آنها خودداری می‌شود. اما شاید اعمال همین تغییرات سبب شده است که فرصت به منبع این رساله خود نیز اشاره‌ای نکند و به گونه‌ای آن را از آن خویش بدانند.

سبب تصحیح:

الف) برای تصحیح این رساله‌ها از نسخه عکسی مجموعه دریای کبیر استفاده شده است که شماره ثبت ۷- ۲۵۴۷۵ (مورخ ۸۰/۵/۷) در کتابخانه انجمن آثار و مفاخر فرهنگی آن قرار دارد.

ب) با توجه به این که مجموعه دریای کبیر دارای نسخه‌ای منحصر به فرد است، مصحح فقط از یک نسخه بهره‌مند بوده که چون به خط مؤلف است، به لحاظ اصالت، از جایگاه مناسبی برخوردار است؛ اما گاه محقق را در رفع کاستی‌های کتاب و نیز خوانش کلمات و سلاطین آن با مشکل روبه‌رو می‌کند و به اصطلاح، او را «دست‌تنها» می‌گذارد. با این حال، سعی شده است متنی سودمند و خوانا ارائه شود. همان‌طور که قبلاً گفته شد، مجموعه دریای کبیر از جمله رساله‌های پیش‌رو کاستی‌های فراوانی دارد که فرصت خود فرصت نکرده است اقدام به رفع آنها کند. از این‌رو، مصحح کوشیده است که با مراجعه به آثار دیگر مؤلف و نیز آثار کسانی که او در نگارش این رساله‌ها به آنها نظر داشته است، این کاستی‌ها را که بیشتر مربوط به خودداری از ذکر شواهد شعری است، رفع کند و سراه‌شعری مناسبی را برگزیند و در میان [] به متن رساله‌ها بیفزاید.

مصحح تلاش کرده است به خوانش درست کلمات و جملات دست یابد؛ اما در یک مورد، این امر امکان‌پذیر نشده و به جای کلمه ناخوانا از [...] استفاده شده است. در پاره‌ای از موارد، برای درک بهتر و آسان‌تر متن، کلمات و عباراتی در داخل <> به آن افزوده شده است.

ج) همان‌طور که پیشتر گفته آمد، این رساله‌ها برگرفته از منابع گوناگونی هستند که هر کدام رسم‌الخط خاصی داشته‌اند. به همین سبب، با توجه به ناهماهنگی رسم‌الخط رساله‌ها، مصحح دستور خط مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را معیار قرار داد تا رسم‌الخط رساله‌ها هماهنگ و امروزی شود.

www.ketab.ir